



دانشگاه پیام نور

فرهنگ و تمدن اسلامی

(رشته معارف اسلامی)

دکتر محمد صادق غلام جمشیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

نه	مقدمه
	فصل اول: کلیات
۱	هدف‌های کلی
۱	هدف‌های رفتاری
۱	۱. تاریخ در لغت و اصطلاح
۳	۲. فرهنگ در لغت و اصطلاح
۳	۳. تمدن در لغت و اصطلاح
۷	۴. تجدد در لغت و اصطلاح
۸	خودآزمایی فصل اول
۹	خلاصه فصل اول
	فصل دوم: عناصر تشکیل دهنده فرهنگ و تمدن
۱۱	هدف کلی
۱۱	هدف‌های رفتاری
۱۱	۱. امنیت و آرامش
۱۲	۲. عصبیت
۱۲	۳. تعاون و همکاری
۱۴	۴. اخلاق
۱۵	۵. بردباری
۱۵	۶. وحدت
۱۵	۷. دین
۱۶	۸. رفاه نسبی
۱۸	۹. فشار اقتصادی و اجتماعی
۱۹	خلاصه فصل دوم
۱۹	خودآزمایی فصل دوم
	فصل سوم: نهضت شکوفایی علمی در علوم غیراسلامی
۲۱	هدف‌های کلی
۲۱	هدف‌های رفتاری
۲۲	۱. ریاضیات
۲۳	۲. نجوم

۲۴	۳. فیزیک و مکانیک
۲۵	۴. طب
۲۶	۵. کیمیا
۲۶	۶. فلسفه
۲۸	۷. منطق
۲۸	۸. تاریخ و تاریخ‌نگاری
۲۹	۹. جغرافیا
۳۰	۱۰. ادبیات عربی
۳۰	خودآزمایی فصل سوم
۳۲	خلاصه فصل سوم

۳۵	فصل چهارم: نهضت شکوفایی علمی در علوم اسلامی
۳۵	هدف کلی
۳۵	هدف‌های رفتاری
۳۶	۱. قرائت
۳۷	۲. تفسیر
۳۷	۳. حدیث
۳۸	۴. فقه
۴۱	۵. اصول
۴۳	۶. کلام
۴۴	خودآزمایی فصل چهارم
۴۵	خلاصه فصل چهارم

۵۱	فصل پنجم: نهادهای سیاسی، اجتماعی و علمی تمدن اسلامی
۵۱	هدف کلی
۵۱	هدف‌های رفتاری
۵۳	الف) دیوان خراج یا استیفا
۵۳	ب) دیوان برید
۵۴	ج) دیوان جیش
۵۴	د) دیوان بیت‌المال
۵۵	هـ) دیوان انشاء
۵۷	خودآزمایی فصل پنجم
۵۸	خلاصه فصل پنجم

۶۱	فصل ششم: علل و عوامل اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی، پیدایش و شکوفایی تمدن اسلامی
۶۱	هدف کلی
۶۱	هدف‌های رفتاری
۶۲	الف) عوامل داخلی
۶۲	۱. محتوای آموزه‌های دینی
۶۲	۱-۱. خدا، انسان و هستی
۶۳	۱-۲. خردگرایی
۶۴	۱-۳. ترویج دانش‌اندوزی
۶۵	۱-۴. توجه به کار و کوشش

۶۵	۵-۱. تحمل اندیشه‌ها
۶۶	۲. سادگی آموزه‌های دینی
۶۶	۳. جامعیت آموزه‌های دینی
۶۷	۴. جاودانگی آموزه‌های دینی
۶۷	۵. طبیعی و فطری بودن آموزه‌های اسلام
۶۷	۶. سیره عملی
۶۸	ب) عوامل خارجی
۶۹	۱. رفع نقاط منفی تمدن‌های دیگر
۷۰	۲. جذب نقاط مثبت تمدن‌های دیگر
۷۱	۱-۲. تمدن یونانی
۷۱	۲-۲. تمدن ایرانی
۷۲	۳-۲. تمدن هند
۷۳	خودآزمایی فصل ششم
۷۵	خلاصه فصل ششم
۷۷	فصل هفتم: تأثیر فرهنگ‌ها و تمدن‌های اسلامی در پیدایش تمدن غربی
۷۷	هدف کلی
۷۷	هدف‌های رفتاری
۷۸	۱. تأثیر علوم عقلی، فلسفه اسلامی و علوم الهی در تمدن غرب
۷۹	۲. تأثیر پزشکی اسلامی در تمدن غرب
۷۹	۳. تأثیر ریاضیات اسلامی در تمدن غرب
۸۰	۴. تأثیر دانش ستاره‌شناسی اسلامی در تمدن غرب
۸۰	۵. تأثیر جغرافیای اسلامی در تمدن غرب
۸۱	۶. تأثیر هنرهای اسلامی در غرب
۸۲	خلاصه فصل هفتم
۸۳	خودآزمایی فصل هفتم
۸۵	فصل هشتم: تأثیر فرهنگ‌ها و تمدن‌های پیشین یونان، هند و ایران در پیدایش تمدن اسلامی
۸۵	هدف کلی
۸۵	هدف‌های رفتاری
۸۵	الف) فرهنگ و تمدن یونان
۸۷	ب) فرهنگ و تمدن هند
۸۸	ج) فرهنگ و تمدن ایران
۸۹	خودآزمایی فصل هشتم
۹۰	خلاصه فصل هشتم
۹۱	فصل نهم: تأثیر آموزه‌های تربیت دینی بر فرهنگ و تمدن ایران
۹۱	هدف کلی
۹۱	هدف‌های رفتاری
۹۲	دین
۹۳	تمدن
۹۴	فرهنگ
۹۵	ایران باستان و آموزه‌های دینی

۹۷	آموزه‌های دینی و فرهنگ ایرانی
۱۰۰	آموزه‌های دینی و ایران اسلامی
۱۰۲	تأثیر آموزه‌های تربیت دینی در ایران اسلامی
۱۲۰	تأثیر آموزه‌های دینی و فرهنگ معاصر
۱۲۵	خلاصه فصل نهم
۱۲۶	خودآزمایی فصل نهم

۱۲۹	فصل دهم: تأثیر تمدن اسلامی بر تمدن اروپا و پیدایش رنسانس
۱۲۹	هدف کلی
۱۲۹	هدف‌های رفتاری
۱۳۰	۱. فتوحات مسلمانان، رهیافت فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا
۱۳۳	۲. شکوفایی علوم اسلامی در سرزمین‌های اروپا
۱۳۴	۳. جنگ‌های صلیبی، نقطه عطفی در تمدن کشورهای اروپایی
۱۳۸	۴. نهضت ترجمه، عامل گسترش دانش و فرهنگ اسلامی در اروپا
۱۴۱	۵. علل و عوامل تجدید حیات علمی اروپا
۱۴۳	۶. ابن رشد گرایی
۱۴۴	۷. گسترش دانش و فرهنگ اسلامی در جزیره سیشل اروپا
۱۴۶	۸. تأثیر اندیشه‌های فلسفه اسلامی در اروپا
۱۴۷	خلاصه فصل دهم
۱۴۸	خودآزمایی فصل دهم

۱۵۱	فصل یازدهم: زمینه‌های ضعف، علل و عوامل رکود تمدن اسلامی
۱۵۱	هدف کلی
۱۵۱	هدف‌های رفتاری
۱۵۲	۱. علل بیرونی
۱۵۲	۱-۱ جنگ‌های صلیبی
۱۶۳	۱-۲ ظهور مغولان
۱۷۱	۱-۳ برخورد نظامی دولت‌های صفویه و عثمانی
۱۷۳	۱-۴ سقوط اندلس
۱۷۵	علل سقوط اندلس به دست مسیحیان
۱۷۹	سراغاز انحطاط
۱۸۲	۲. علل درونی
۱۸۲	۲-۱ استبداد
۱۸۳	۲-۲ دنیاگرایی، تحجر و دور شدن از اسلام راستین
۱۸۴	۲-۳ جریان‌های عقلی و عقل‌گرای در جهان اسلام
۱۸۴	خودآزمایی فصل یازدهم
۱۸۶	خلاصه فصل یازدهم

۱۸۹	فصل دوازدهم: علل متأخر رکود فرهنگ و تمدن اسلامی
۱۸۹	هدف کلی
۱۸۹	هدف‌های رفتاری
۱۹۰	۱. علل سیاسی انحطاط فاجعه‌انگیز جهان اسلام
۲۰۴	۲. علل فکری انحطاط فاجعه‌آمیز جهان اسلام

۲۱۳	خودآزمایی فصل دوازدهم
۲۱۴	خلاصه فصل دوازدهم
۲۱۹	فصل سیزدهم: ظرفیت‌های موجود در جهان اسلام
۲۱۹	هدف کلی
۲۱۹	هدف‌های رفتاری
۲۲۰	قاره آسیا مهد ادیان الهی
۲۲۱	مسلمانان قاره آسیا
۲۲۲	آسیای جنوب غربی (خاورمیانه)
۲۲۴	محدوده جغرافیایی خاورمیانه
۲۲۵	وضعیت جغرافیایی خاورمیانه
۲۲۵	کشورهای خاورمیانه و نظام جهانی
۲۲۶	ویژگی‌های خاورمیانه
۲۲۹	اهداف آمریکا در خاورمیانه
۲۳۸	خودآزمایی فصل سیزدهم
۲۳۹	خلاصه فصل سیزدهم
۲۴۳	منابع و مآخذ

مقدمه

اسلام از عرب جاهلی انسانی متمدن ساخت که روح تعاون و همکاری و برادری و ایمان به نصرت الهی خمیرمایه اصلی تحرک و تکاپوی اجتماعی او بود و با تلفیق و جمع بین حیات دنیوی و اخروی و پل قرار گرفتن زندگی دنیا برای رسیدن به سعادت اخروی، زندگی هدفمندانه‌ای را برای او ترسیم کرد و در سایه چنین بینشی بود که هر جلوه‌ای از زندگی مسلمانان رنگ و بوی دینی به خود گرفته بود. تعالیم اسلام نه تنها مانعی بر سر راه پیشرفت و ترقی و تعالی زندگی اجتماعی نبود، بلکه خود بهترین وسیله و عاملی شد برای توسعه و آبادانی و رونق شهرها و این مسئله به قدری مورد توجه مسلمانان قرار گرفت که پیامبر اسلام (ص) با همه مشاغلی که داشت، لحظه‌ای از سر و سامان دادن به نظام شهری مدینه و عمران و آبادانی آن غافل نمی‌شد.

«امور عمرانی شهر مدینه با اشرف رسول خدا (ص) گام‌های

سریع و گوناگونی برداشت و در نهایت منجر به پیدایش

سنت‌های جدیدی در امور عمرانی شد که این سنت‌ها بعدها در

بقای شهرهای جدید به کار گرفته می‌شدند...»^۱

مسلمانان با تأسی به پیامبر اکرم (ص) و بهره‌گیری از تعالیم حیات‌بخش اسلام توانستند در توسعه و عمران شهرها از خود به نوعی به نمایش بگذارند که زبانزد خاص و عام گردید.

«با توجه به جنبه‌های مادی تمدن اسلامی، یعنی بازرگانی، صنعت

و کشاورزی، این تمدن بر تمدن اروپایی باختری هم عصرش

۱. مدینه اسلامی، عثمان محمد عبدالستار، ترجمه علی چراغی، ص ۱۲.

برتری داشت. هنر، علم، پزشکی، فلسفه و به‌طور کلی دانش‌ها
مصادق‌های این برتری بودند.^۱

در سایه چنین تمدن برگرفته از فرهنگ اسلامی بود که شهرهایی مانند دمشق و قاهره از زیبایی و صف‌ناپذیری برخوردار بودند که چشم هر بیننده‌ای را به خیرگی وامی‌داشت. گوستاولوبون در کتاب «تاریخ تمدن اسلام و عرب» در قسمتی از کتابش به این مطلب تصریح می‌کند:

«که در روزگاری که اروپا دوران توحش خودش را می‌گذراند و هیچ بهره‌ای از تمدن نبرده بود، اسلام توانست نور علم و دانش و تمدنی جذاب را در دو مرکز اصلی خلافت اسلامی بغداد و قرطبه به نمایش بگذارد، و مانند دو چراغ فروزان به سراسر جهان پرتوافکنی کنند.»^۲

حال با توجه به آنچه بیان شد، به این نتیجه می‌رسیم که اسلام نه تنها قدرت و پتانسیل لازم را برای ایجاد توسعه و تحول در تمامی بخش‌های اجتماعی داراست، بلکه در این زمینه از پویایی و قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار است که می‌تواند خلق اعجاز کند.

برای تحقق محاوره با تمدن و فرهنگ اسلامی و برداشت و کاوش هرچه بیشتر در آن، کتاب حاضر در سیزده فصل تنظیم و طراحی شده است:
فصل اول، کلیات و واژه‌شناسی تاریخ، فرهنگ، تمدن و تجدد و تعاریف آنها.
فصل دوم، به عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ و تمدن اشارت دارد.
فصل سوم و فصل چهارم، شامل نهضت شکوفایی علمی مسلمانان در علوم اسلامی و غیر علوم اسلامی می‌شود.

فصل پنجم، نهادهای سیاسی، اجتماعی و علمی تمدن اسلامی را معرفی می‌کند.
فصل ششم، علل و عوامل اعتقادی و اجتماعی و پیدایش و شکوفایی تمدن اسلامی را که شامل عوامل داخلی و خارجی است مدنظر قرار می‌گیرد.
فصل هفتم، تأثیر فرهنگ و تمدن‌های پیشین در پیدایش تمدن غربی در علوم عقلی،

۱. تاریخ تمدن، هنری لوکاس، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ج ۱، ص ۳۶۰.

۲. تمدن اسلامی و عرب، گوستاولوبون، ترجمه سیدهاشم حسینی، ص ۲۰۴.

پزشکی، ریاضیات، ستاره‌شناسی، جغرافیایی، هنر اسلامی را نشان می‌دهد..

فصل هشتم، تأثیر فرهنگ و تمدن‌های پیشین در پیدایش تمدن اسلامی و نقش مهم یونان و ایران مورد توجه قرار گرفته است.

فصل نهم و دهم، تأثیر آموزه‌های تربیت دینی بر فرهنگ و تمدن ایران و اروپا ملحوظ شده است.

فصل یازدهم و دوازدهم، علل و عوامل داخلی و خارجی رکود تمدن اسلامی و همچنین علل متأخر رکود آن نیز بررسی شده است.

فصل سیزدهم، ظرفیت‌های موجود در جهان اسلام از جهت جغرافیایی، نیروی انسانی، سرمایه‌های فرهنگی و معنوی توضیح داده شده است.

غور و بررسی در این مهم، بی‌شک چراغی ضروری فرا راه ما قرار می‌دهد که در پرتو آن می‌توانیم بار دیگر شاهد قدرت‌گیری و اعتلای مسلمانان و فرهنگ و تمدن اسلامی در آینده نه‌چندان دور خواهیم بود. ان‌شاءالله.

امید است که صاحب‌نظران، اساتید و دانشجویان این درس، بر بنده منت نهاده، در رفع کاستی‌ها و تصحیح اشتباهات احتمالی آن، ما را یاری نمایند.

طرح بحث

ایستایی فرهنگ و تمدن اسلامی بعد از قرن‌های متمادی تحرک و پویایی، این سؤال جدی را در تمامی اذهان اندیشمندان جهان اعم از مسلمان و غیرمسلمان برانگیخت که چه عامل یا عواملی باعث شد که تمدن اسلامی با آن همه عظمت و شکوفایی که در مدت قریب به هشت قرن جهانیان را به خود خیره کرده بود و به قدری در تمامی ابعاد اجتماعی از جاذبه قوی برخوردار بود، که بسیاری از ملت‌ها خود به سراغ آیین حیات‌بخش اسلام آمدند، ناگهان به خاموشی گرایید فرهنگ و تمدن اسلامی در بیش از نیمی از سرزمین‌های آباد جهان آن روز توانسته بود توسعه و پیشرفت روزافزونی را به‌وجود آورد.

با ظهور و پیدایش تمدن غرب بعد از رنسانس، یافتن پاسخ به این سؤال برای مسلمانان حیاتی و سرنوشت‌ساز به‌شمار می‌آمد؛ زیرا تمدن غربی ناخودآگاه پاسخ به این سؤال را این‌گونه در اذهان القاء می‌نمود که شاید علت ایستایی و عدم پویایی تمدن

اسلامی ریشه در خود اسلام داشته باشد که نتوانستند نیاز زمانه را برآورده سازد و همراه زمان به پیش برود، اما با حضور دوباره اسلام در دهه‌های آخر قرن بیستم در صحنه حیات اجتماعی و ایجاد تحرک و پویایی بی‌نظیر آن در ملت‌های اسلامی از جمله به‌وجود آوردن انقلاب عظیمی در ایران، چالش جدی را در برابر این پاسخ که اسلام را متهم به ناتوانی می‌کرد به‌وجود آورد.

فصل اول

کلیات

هدف‌های کلی

۱. آشنایی با معانی لغوی واژه‌های تاریخی، فرهنگ، تمدن، تجدد
۲. آشنایی با معانی اصطلاحی تاریخ، فرهنگ، تمدن، تجدد
۳. آشنایی با دیدگاه دانشمندان غربی و شرقی در تعریف تمدن

هدف‌های رفتاری

- انتظار می‌رود شما در پایان این فصل بتوانید:
۱. تعریف ابن‌خلدون و هرودوت در تاریخ را با یکدیگر مقایسه و بررسی نمایید.
 ۲. تفاوت تعریف تمدن از منظر علمای مغرب‌زمین و مشرق‌زمین را به اختصار بیان نمایید.
 ۳. تمدن را تعریف کنید.
 ۴. تجددگرایی در جنبه‌های عینی و ذهنی را توضیح دهید.

۱. تاریخ در لغت و اصطلاح

تاریخ از نظر لغت به معنای تعیین و شناساندن وقت است.^۱ برخی این واژه را عربی ندانسته‌اند^۲، اما نظر برگزیده‌تر این است که تاریخ از ماده «ارخ» یا «ورخ» — به معنای

۱. در زبان انگلیسی، واژه History (تاریخ) برگرفته از Istoría یونانی و به معنای سرگذشت و شرح حال است.

۲. ر.ک: معجم مغاییس اللغة، ابن فارس.

تعیین وقت - گرفته شده است.^۱

چیستی تاریخ از مسایلی است که تاکنون پاسخی جامع و مورد اتفاق نداشته، همه تعریف‌های آن با ایراد یا انتقاد روبه‌رو بوده است. هرودوت تاریخ را به معنای مطالعه و بررسی روزگاران گذشته می‌داند.^۲ احوال گذشته جهان و حتی پدیده‌هایی که انسان در آنها مؤثر نیست، احوال گذشته زمین یا شرح حوادث گذشته بر زمین بعد از پیدایش انسان، برخی از تعریف‌های ارایه شده درباره تاریخ است.^۳ با این تعریف‌ها دانش‌های دیگر - که به جهان، پدیده‌های آن، انسان یا ابعاد زندگی‌اش می‌پردازد - به محدوده تاریخ راه نمی‌یابد. با توجه بدین کاستی، گروهی گزارش وقایع مشهور، روزگار پادشاهان، جنگ‌ها، احوال پیامبران و سیره و سنت آنان را معنای تاریخ دانسته‌اند.^۴

ابن‌خلدون، تاریخ را دانشی سرچشمه گرفته از حکمت، و بیانگر سرگذشت ملت‌ها، سیره پیامبران و سیاست پادشاهان می‌داند.^۵

برخی نیز تاریخ را مجموع وقایع کره زمین از آغاز پیدایش انسان تاکنون می‌دانند؛ وقایعی که بر احوال و شئون انسان تأثیر نهاده یا از آن متأثر شده است. براساس این تعریف، موضوع تاریخ عبارت است از کنش و واکنش خارجی یا دارای اثر خارجی انسان.^۶

از آنجا که تعریف‌های یاد شده جامع نیست و فقط تاریخ نقلی را شامل می‌شود، با در نظر گرفتن عناصر اصلی تاریخ، یعنی انسان از یک‌سو، و زمان و مکان از سوی دیگر، می‌توان گفت:

«تاریخ مجموعه‌ای از اطلاعات درباره تأثیر و تأثر انسان است و به‌طور طبیعی اموری چون هدایت، گمراهی، سازندگی، ویرانگری،

۱. ر.ک: لسان‌العرب، ابن‌منظور، ج ۳، لغت‌ارخ؛ مجمع‌البحرین، فخرالدین طریحی، ج ۲، ص ۴۲۹.

۲. تاریخ تمدن، هنری لوکاس، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ص ۷.

۳. ر.ک: زبدة التواریخ، حافظ ابرو، ج ۱، ص ۲۶؛ علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، صادق آئینه‌وند، ج ۱، ص ۴۸-۳۶.

۴. ر.ک: تاریخ‌نگاری در اسلام، سیدصادق سجادی و هادی عالم‌زاده، ص ۹ و ۱۰.

۵. مقدمه ابن‌خلدون، ص ۴ و ۹.

۶. ر.ک: فلسفه تاریخ (جزوه درسی)، مصطفی ملکیان، ص ۱۹.

رفتارهای عادلانه و ستمگرانه/ش را شامل می‌شود».^۱

۲. فرهنگ در لغت و اصطلاح

واژه فرهنگ در لغت فارسی به معنای دانش، ادب، علم، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت اطلاق شده^۲ و در ادبیات لاتینی Culture به مفهوم پرورش نفس آمده و در زبان یونان باستان فقط مفهوم پرورش از آن استفاده می‌شود.^۳ فرهنگ از نظر بروس کوئن چنین تعریف شده است:

«مجموع رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای یک جامعه معین».^۴

کلمه اساسی و مهم در این تعریف کلمه اکتسابی است که فرهنگ را از رفتارهای برخاسته از وراثت و ویژگی‌های زیستی متمایز می‌کند. و در کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی نیز چنین آمده است:

«فرهنگ مجموعه‌ای از سنت‌ها، باورها، آداب و اخلاق فردی یا خانوادگی اقوامی است که پابندی ایشان بدین امور باعث تمایز آنها از دیگر اقوام و قبایل می‌شود».^۵

بنابراین فرهنگ با ذات وجود انسان ارتباط دارد و فضایل و کمالات انسانی از طریق فرهنگ به انسان آموخته می‌شود و از این جهت می‌توان اظهار نمود که فرهنگ فصل ممیز بین انسان و حیوان است.

۳. تمدن در لغت و اصطلاح

تمدن در لغت عربی از «مَدَن» اخذ شده که معنای آن اقامت کردن است^۶ و در زبان‌های اروپایی، از جمله انگلیسی واژه Civilization را به این مفهوم اطلاق می‌نمایند که آن

۱. تاریخ تحلیلی صدر اسلام، محمد نصیری، ص ۱۸.

۲. فرهنگ عمید، حسن عمید، ج ۲، ص ۷۶۶.

۳. فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، محمدتقی جعفری، ص ۵۰.

۴. ر.ک: مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر غلامعباس توسلی، رضا فاضلی، فصل سوم، ص ۵۹.

۵. فرهنگ و تمدن اسلامی، دکتر علی‌اکبر ولایتی، ص ۱۹.

۶. فرهنگ نفیسی، علی‌اکبر نفیسی، ج ۵، ص ۳۲۲۶؛ ترتیب کتاب العین، خلیل احمد فراهیدی، ج ۳، ص ۱۶۸۶؛

قاموس قرآن، سیدعلی‌اکبر قرشی، ج ۶، ص ۲۴۴؛ المنجد فی اللغة، ص ۷۵۲.

هم به معنای استقرار یافتن است^۱ که در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است.^۲
در فرهنگ عمید معنای عام‌تری برای این واژه آمده که موارد فوق را شامل است:
«تمدن - شهرنشینی شدن، خوی شهری گزیدن و به اخلاق مردم
شهر آشنا شدن، زندگی اجتماعی، همکاری مردم با یکدیگر در
امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود».

تعریف تمدن از منظر علمای مغرب‌زمین

از نظر ساموئل هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح
هویت فرهنگی به‌شمار می‌آید.^۳

هنری لوکاس، تمدن را پدیده‌ای به هم تنیده می‌داند که همه رویدادهای
اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در برمی‌گیرد.^۴
یک دانشمند غربی با پرداختن به لفظ تمدن می‌نویسد:

«تمدن واژه‌ای است برای توضیح مراحل معینی از تحول
اجتماعی»^۵

در برابر این نظریه، مورخ معروف آرنولد توین‌بی معتقد است:

«تمدن، حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است، یعنی طبقه
متمنزی در جامعه که واجد نبوغ، ابتکار و نوآوری است و در اثر
تحولات و سیر تکامل جامعه، تمدن را پدیدار می‌نماید».^۶

از میان سایر تعابیر پژوهشگران غربی، سخن آلفرد وبر، که تمدن را محصول علم
و تکنولوژی می‌داند، با اندیشه ویل دورانت درباره این واژه نزدیکی دارد، چرا که ویل
دورانت، در اثر ارزشمند خویش می‌نویسد:

«وقتی فرهنگ عمومی به حد معینی برسد، فکر کشاورزی تولید

1. Oxford Advanced Learner's Dictionary (1992), London – Oxford University Press.

۲. ر.ک: المعجم الوسيط، ج ۲، ص ۸۶۵: فرهنگ عمید، حسن عمید، ج ۱، ص ۳۱۷.

۳. نظریه برخورد تمدن‌ها، ساموئل هانتینگتون، ترجمه مجتبی امیری، ص ۴۷.

۴. تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ج ۱، ص ۷ و ۱۶.

۵. جوامع تمدن‌ساز، پویایی و میرایی تمدن‌ها، مرتضی نبوی و محمدحسین ملایری، مجله مجلس و پژوهش،
سال دوم، ش ۷.

۶. موسوعة المورد، منیر البعلبکی، ج ۳، ص ۲۸.

می‌شود».

او در حقیقت این تعریف را از معنای لغوی واژه تمدن، به معنی شهرنشینی، اقتباس کرده است. ویل دورانت در ادامه گوید:

«در محل برخورد راه‌های بازرگانی و شهرهاست که عقل مردم بارور می‌شود. به باوری تمدن در پی تعالی سجایای اخلاق و خصلت‌های نیک آدمیان پدید می‌آید، و کسی که دارای اخلاق پسندیده و حسن معاشرت باشد، آدم متمدنی محسوب می‌شود».^۱

تعریف تمدن از منظر دانشمندان مشرق‌زمین

ابن خلدون تونسی به‌عنوان قدیمی‌ترین متفکر مسلمان - تمدن را حالت اجتماعی می‌داند.^۲ اما یک اندیشمند دیگر شمال آفریقا، قرن‌ها بعد از اظهارنظر ابن خلدون می‌نویسد:

«تمدن مجموعه عوامل اخلاقی و مادی است که به یک جامعه فرصت می‌دهد که برای هر فردی از افراد خود در هر مرحله‌ای از مراحل زندگی، از طفولیت تا پیری، همکاری لازم را برای رشد به عمل آورد و تمدن موجب مصونیت زندگی انسان و تأمین روند حرکت و فراهم نمودن مایحتاج فرد است و هم‌چنین وسیله‌ای است برای حفاظت از شخصیت ملی و دینی او».^۳

افزون بر این دو دیدگاه، در ایران، سیدحسن تقی‌زاده مقصود از تمدن را نهضت علمی، صنعتی، اجتماعی، سیاسی و مدنی توأم با آزادی می‌داند و معتقد است که «این نهضت طی پنج یا شش قرن گذشته در اروپا و بعدها در آمریکا پیدا شده و رفته رفته تکامل یافته است. یک ادیب و متفکر جامعه‌شناس معاصر نیز تمدن را واجد جنبه عینی و علمی دانسته، آن را تأمین‌کننده پیشرفت انسان در هیأت اجتماع می‌داند. البته او پیشرفت را پیشرفت مادی انسان یاد می‌کند».^۴

۱. تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص ۵.

۲. مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمدپروین گنابادی، ج ۱، ص ۷۶-۷۵.

۳. مالک‌بنی اندیشمند مصلح، اسعد عمرانی، ترجمه صادق آئینه‌وند، ص ۱۹۹-۱۹۸.

۴. به نقل از کتاب فرهنگ و شبه‌فرهنگ، ندوشن اسلامی، ص ۳۸.

حال در یک جمع‌بندی کلی، با توجه به مجموعه این تعاریف، شایسته است این مفهوم را چنین تعریف کرد:

«تمدن، حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی جامعه‌ای می‌باشد که از شرایط بربریت یا بادیه‌نشینی خارج شده و قدم در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی نهاده است».^۱

برخی فرهنگ را همان تمدن می‌دانند و معتقدند که این دو، رابطه مفهومی تنگاتنگی دارند که در عین حال می‌توان معانی متفاوتی را از این دو واژه استخراج نمود:

۱. مترادف بودن فرهنگ با تمدن: در سنت انگلیسی - فرانسوی مفهوم فرهنگ اغلب مترادف با تمدن به کار می‌رود^۲ و از نظر آنان فرهنگ یا تمدن کلیت درهم‌بافته‌ای است که شامل: دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب، رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی به عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد، می‌شود.^۳
۲. گسترش معنای تمدن به گونه‌ای که شامل فرهنگ نیز بشود.^۴ در مورد تمدن می‌توانیم بین صورت خارجی و روح درونی آن تمایز قایل شویم^۵ یعنی روح درونی در حدی است که فرهنگ را نیز دربرمی‌گیرد.
۳. گسترش فرهنگ به گونه‌ای که شامل تمدن بشود:^۶ در این حالت فرهنگ شامل تمامی کارهای اجتماعی به گسترده‌ترین معنای آن مانند زبان، زناشویی، نظام مالکیت، ادب و آداب صناعات و هنر است^۷ که تمدن را نیز شامل می‌شود.
۴. تفکیک بین فرهنگ و تمدن: دو تفاوت عمده بین این دو وجود دارد: فرهنگ جنبه ذهنی، معنوی و فردی دارد و تمدن جنبه عملی، عینی و اجتماعی. فرهنگ وسیع‌تر، قدیمی‌تر و تمدن جوان‌تر و محدودتر است.^۸

۱. ر.ک: فرهنگ و تمدن اسلامی، دکتر علی‌اکبر ولایتی، ص ۱۹.

۲. فرهنگ جامعه‌شناسی، نیکلاس آبراگرامبی و دیگران، ترجمه حسن پویان، ص ۱۰.

۳. تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، داریوش آشوری، ص ۳۹.

۴. جامعه‌شناسی سیاسی، گاستون بوتول، ترجمه خجسته هوشنگ‌فر، ص ۱۲.

۵. نظریه تمدن، یوکیش فوکوتساوا، ترجمه چنگیز پهلوان، ص ۲۳.

۶. تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، داریوش آشوری، ص ۴۰.

۷. جامعه‌شناسی، تی.بی. باتامور، ترجمه سیدحسن منصور و سیدحسین کلجاهی، ص ۷۹.

۸. فرهنگ و شبه‌فرهنگ، محمدعلی اسلامی ندوشن، ص ۷۹.

ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که این دو مفهوم تعریف واحدی که مورد قبول همگان یا لاقلاً محققان علوم اجتماعی باشد ندارند، اما در یک توافق جمعی می‌توان گفت که منظور از تمدن یک مجموعه (نظام) فرهنگی است که از خصایص فرهنگی عمده و مشابه چند جامعه خاص تشکیل شده است؛ مثلاً سرمایه‌داری غربی را می‌توان به عنوان یک تمدن توصیف کرد. زیرا شکل‌های خاص علم، فناوری، مذهب، هنر و دیگر خصایص آن را باید در چند جامعه متفاوت پیدا کرد و در این تلقی فرهنگ بیشتر ویژگی‌های قومی را متبلور می‌سازد، ولی تمدن بر فرهنگ‌هایی اطلاق می‌شود که فراتر از هویت‌های جمعی شکل گرفته است.

۴. تجدد در لغت و اصطلاح

تجدد در لغت به معنای نوشدن، تازه شدن، طرفدار امر تازه بودن به نویی و تازگی گراییدن است.^۱

تجددگرایی دو معنای مهم دارد. مفهوم عام تجددگرایی به گرایش مثبت نسبت به هر چیز جدید یا نودوستی اطلاق می‌شود. این مفهوم تجددگرایی بر مصادیق بی‌شماری دلالت دارد. در هر سطح و نوع از پدیده‌ها شکل تازه آنها ترجیح داده می‌شود. لذا در یک جامعه کشاورزی استفاده از ابزار جدید، در روابط اجتماعی ایجاد دوستی در روابط جدید، در نظام فرهنگی و هر نوع فکر جدید و... ارزشمند و بهتر شمرده می‌شود.

مفهوم خاص تجددگرایی با تاریخ جدید غرب پیوند خورده است و دو بُعد عمده دارد. برخی از دیدگاه‌ها بر پدیده مدرنیسم و جنبه‌های عینی تجربه تاریخی جدید غرب تأکید می‌کنند. گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن از جمله این ابعاد می‌باشد. گروهی نیز به جنبه‌های ذهنی - اندیشه‌ای آن تمرکز می‌کنند و آن را نشانه آغاز دوره فکری جدیدی در غرب می‌دانند. این جریان بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های هگل معتقدند در این دوره خرد مدرن ظهور می‌کند و خرد مدرن را مسئول مدرنیته دانسته، ویژگی ممتاز خرد مدرن را تفکر در ماهیت واقعیت‌ها، روابط پدیده‌های جدید، کشف قانونمندی‌های آنها،

اسطوره‌زدایی از جهان، تکیه بر خرد انسانی و خرد تاریخی می‌شمارند.^۱
اندیشه تجدد از زمان دکارت شروع می‌شود و اوج آن هم از زمان کانت است که او در واقع بنیان‌گذار تجدد است. ۳۰۰ تا ۴۰۰ سال پیش این نوع تفکر در جهان بشری به‌وجود آمد و پیش از آن نبوده است.

خودآزمایی فصل اول

۱. تاریخ به نظر ابن‌خلدون چگونه تعریف می‌شود؟
 (الف) تاریخ به معنای مطالعه و بررسی گذشته است.
 (ب) تاریخ گزارش وقایع مشهور، روزگار پادشاهان، جنگ‌ها و احوال پیامبران سیره است.
 (ج) تاریخ را دانش سرچشمه گرفته از حکمت و بیانگر سرگذشت ملت‌ها، سیره پیامبران و سیاست پادشاهان می‌داند.
 (د) مجموعه وقایع کره زمین از آغاز پیدایش انسان تاکنون می‌داند.
۲. تمدن یعنی...؟
 (الف) همان شهرنشینی است.
 (ب) بالاترین گروه‌بندی فرهنگ است.
 (ج) همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربرمی‌گیرد.
 (د) همه موارد.
۳. این سخن از کیست: «تمدن حاصل نبوغ اقلیت و نوآور است»؟
 (الف) آرنولد توین‌بی
 (ب) آلفرد وبر
 (ج) ویل دورانت
 (د) ابن‌خلدون
۴. کدام‌یک از دانشمندان زیر تمدن از نهضت علمی، صنعتی، اجتماعی، سیاسی و مدنی توأم با آزار می‌داند؟
 (الف) هرودوت
 (ب) ویل دورانت
 (ج) ابن‌خلدون
 (د) سیدحسین نقی‌زاده
۵. مفهوم خاص تجددگرایی یعنی...؟

۱. مجله اندیشه حوزه، سال ششم، ش اول، ۱۳۷۹، مقاله تجدد، سنت، احیاگری، دکتر ابوتراب طالبی، ص ۶۲.

الف) گرایش مثبت نسبت به هر چیز جدید
ب) هر پدیده مدرنیسم
ج) خرد مدرن
د) ب و ج

خلاصه فصل اول

تاریخ مجموعه‌ای از اطلاعات درباره تأثیر و تأثر انسان است و به‌طور طبیعی اموری چون هدایت، گمراهی، سازندگی، ویرانگری، رفتارهای عادلانه و ستمگرانه‌اش را شامل می‌شود. فرهنگ، مجموعه‌ای است از سنت‌ها، باورها، آداب و اخلاق فردی یا خانوادگی اقوامی است که پایبندی ایشان بدین امور باعث تمایز آنها از دیگر اقوام و قبایل می‌شود.

تمدن، حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی جامعه‌ای می‌باشد که از شرایط بربریت یا بادیه‌نشینی خارج شده و قدم در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی نهاده است.

تجددگرایی به مفهوم عام آن عبارت است از گرایش مثبت به هر چیز جدید و به مفهوم خاص بر پدیده مدرنیسم و جنبه‌های عینی تجربه تاریخی جدید غرب تأکید دارد.

